

# انسان و مفهوم خطوط

## Value And Sense of Lines

منصور گودرزی

نقش خطوط در طراحی همان ارزشی را دارد که محتوای کار. تا خط نباشد مسلماً نقشی پدیدار نخواهد شد. به خصوص در طراحی و کاریکاتور که بحث وجود یا عدم وجود خط مطرح است و این که بعضی از نقاشان گفته اند در پیکر انسان چیزی به نام خط وجود ندارد و تنها سلیقه روشن است که شکل انسان یا شی را می نمایاند. با این همه، کاریکاتور اصولاً بر مبنای خط استوار است. به طور خلاصه، خطوط به چند دسته تقسیم می شوند: ۱- خطوط عمودی، ۲- خطوط افقی، ۳- خطوط مایل (یا مورب)، ۴- خطوط تیز (یا شکسته) و ۵- خطوط آشفته. سایر خطوط از آمیزش و کنار هم قرار گرفتن این خطوط به وجود می آیند.

### خطوط عمودی:

خطوط عمودی بر ایستایی، استواری، نیرو، نظم و قدرت حکم می کند؛ مثل یک درخت تنه‌وار بر روی زمین یا یک سرباز در حالت ایستاده و خبردار. وقتی که آن درخت در کنار درختان هم‌اندک قرار گیرد یا آن سرباز در کنار سربازان دیگر در صفوف منظم خبردار بایستد حالت نیرو و نظم در خطوط عمودی به خوبی نشان داده می شود.

در حالت عمودی، انسان حالت با وقارتر، قوی تر و مطمئن تری از خود نشان می دهد. حالت عمودی را می شود در میکل آنجل چون سلم و در خط پشت کوبن او دید. ستون فقرات مستقیم و راست قامت بودن آن فرد جوانی وی را می رساند. خطوط تیرهای چو لنگ برق نیز همین حکم را دارد. وقتی که می گوئیم مثل تیر خنک ایستاده بود، باز هم خطوط عمودی بر ایمان تناعی می شود. ستون های ساختمان ها و آسمان خراش ها، نکل های برق و نظایر این ها خطوط عمودی و استحکام را نشان می دهند. در هنرهای تجسمی از جمله در نقاشی، موسسه سازی، طراحی و کاریکاتور از این نوع خطوط به همین منظور یعنی نشان دادن نیرو و استحکام و نظم و قدرت استفاده می شود.

### خطوط افقی:

خطوط افقی بیشتر بر خواب، آرامش و بی



تحریکی دلالت دارد. سربازی که در بحث خطوط عمودی، نماینده استواری بود، در حالت خوابیده از لحاظ بصری فاقد این قدرت است. به طور خیلی ساده، دشمن به یک سرباز دراز کشیده خیلی راحت تر حمله می کند تا سربازی در حالت ایستاده. درخت تناور و ایستاده به محض بریده شدن، شکستن و افتادن افقی می شود و دیگر بر تناوری و استواری دلالت ندارد، بلکه بر عکس ضعیف، سستی و مرگ را نشان می دهد. یا کنارهای ساحل دارای خطوط افقی اند که نشانگر آرامش هستند. خط افقی درست بر عکس خط عمودی عمل می کند و در حقیقت، نشانگر بی عملی است.

تختخواب از خطوط افقی زیادی برخوردار است که دعوت به خواب و آرامش می کند. در هنرهای تجسمی، و از جمله در نقاشی و طراحی و کاریکاتور برای تداعی آرامش و حالاتی شبیه به آن از خطوط افقی استفاده می شود. اگر به تابلو یا طرحی از دریا و یا دشت و نیز جایی که عده ای در حال خواب اند، توجه کنیم، متوجه کاربرد خطوط افقی می شویم. همان طور که گفته شد، خط افقی بعضی مواقع نمایانگر بی عملی و بی نیرو بودن هم است، یک متوفی را افقی دفن می کنند، نه عمودی.

### ■ خطوط مایل:

خطوط مایل نقشی میان نقش خطوط عمودی و افقی بازی می کنند. این نوع خطوط بر نرمش، انعطاف پذیری و زیبایی دلالت دارند. خطوط ملایم و مایل را به وفور می توان در نقاشی مینیاتور مشاهده کرد. برای نشان دادن نرمی و انعطاف بدن ها، پره های پرندگان، برگ های درختان جوانی که در نسیم خم می شوند و بخصوص برای ترسیم نقش گل و گیاه از خطوط مایل استفاده می شود. فرد راست قامت جوان در هنگام پیروی قامتش تا حدی خم می شود و حالت نیم دایره به خود می گیرد. در این حالت انعطاف و خمیدگی را می شود دید.

بنابر این، در اینجا نه آن خطوط عمودی که استواری و نیرو را نشان می دهند و نه آن خطوط افقی که دلالت بر بی تحرکی و مرگ دارند، جایی ندارد. این حالت هلالی در فرد دقیقاً مفهوم بینابینی زندگی و مرگ را نشان می دهد. خطوط عمودی خم شده اند، اما هنوز نشکسته اند. خطوط هلالی بدن افقی نیستند، اما عمودی هم نیستند. هنوز هم مقداری از زندگی در خطوط مایل وجود دارد، همان طوری که مقداری نیرو برای زندگی چند سال آینده فرد پیر وجود دارد تا کم کم تبدیل به خطوط افقی شود. هاله کناره چهره انسان، بخصوص بچه ها و زنان از خطوط نرم و مایل تشکیل یافته است. در مقابل چهره شکسته فاقد این نرمش است و در حقیقت این



خطوط خشن یا نرم اند که جوانی یا پیری و سرزندگی یا شکستگی چهره ها را نشان می دهند.

خطوط نرم انعطاف پذیرند، مثل حرکت یک نهال در باد که حالت مایل را به خود می گیرد. در نقاشی، از این خطوط برای نشان دادن حالاتی که ذکر شد، استفاده می شود. اگر به تابلو «رفوگر قالی» کار استاد پتگر نگاه کنید بیشتر خطوط مایل را می توانید ببینید: هلال های پشم قالی، خطوط ساعد دختر و نقش های قالی. هم چنین در تابلو «گرچی کشان» ولگا این خطوط به بهترین صورت نشان شده اند. میکل های خمیده و خسته کارگرانی که کشتی به گل نشسته را می کشند، خطوط مایل شان ها، سرهای پایین افتاده، همه به بهترین شکل به انعطاف پذیری خطوط مایل اشاره دارند. نقاشی بجز استفاده از این خطوط، با چه خطوط دیگری می توانست خستگی و در ماندگی این کارگران را - که مسلماً در برابر کار شاق کمترین دست مزد را دریافت می کنند و به دلیل ظلم و زور مجبورند انعطاف نشان دهند و خم شوند و بار



بکشند تا بتوانند زنده بمانند - نمایش دهد؟

### ■ خطوط شکسته:

حتماً تاکنون ساختمان های ویران شده در اثر زلزله، سیل یا بمباران را دیده اید که به این ترتیب با صخره ها و برخورد خطوط تند و تیز آشنا شده اید. یا حتماً چهره خسته و شکسته مردی ناامید را که شیارهای زیر چشمش تا کناره گونه ها کشیده شده است را مشاهده کرده اید. خطوط خشک کناره لب ها و چانه ها در این حالت برجسته است. درختان شکسته از طوفان، سرباز تیر خورده که در حال افتادن بر روی زمین است، تیر چراغ برق که در اثر تصادف شکسته و یا خم شده است، همگی خطوط شکسته اند؛ خطوطی که دقیقاً بر اسمی که رویش گذارده اند، دلالت می کند یعنی شکستگی، خشونت، بی رحمی یا گاهی قانع بودن. خطوط شکسته تا حدی قدرت خطوط عمودی را هم با خود بیک می کشند. در اصطلاحات

روزمره، شکستگی هتلی جنبه روانی هم دارد: شکست خوردم، از درون شکسته‌ام، متلاشی شده‌ام. این خطوط بار خشونت بسیاری را همراه خود دارد. برای نشان دادن خشونت، استواری و نخرآشیدگی یک صخره یا کوه به جز خطوط شکسته، هیچ خطی به کار نمی‌آید. در طراحی، خطوط شکسته در چهره و پیکرها می‌توانند نشان دهنده شکست یا مانند آن باشند. بر خورد سر نیزه‌ها با خطوط تیز و برنده، خود بار خشونت را نشان می‌دهد. خطوط شکسته مفاهیم عمیقی را در شکل ظاهری خود نشان می‌دهد و بیشترین خطوطی هستند که در کاریکاتور سیاه به صورت هاشور به کار می‌روند. در سینما و هنرهای تجسمی، از این خطوط برای مفاهیمی چون شکستگی درونی و بیرونی، خشونت در چهره و باطن، ویرانی، جنگ، زلزله و آوارگی استفاده می‌شود. مصداق بارز استفاده از خطوط شکسته را می‌توان در تابلوی گرنیکا پیکاسو مشاهده کرد.

نقشی که این خطوط در تابلو گرنیکا بازی می‌کنند حتی بالاتر از رنگ سرد خاکستری و سیاه تابلوست هر چند خطوط شکسته به علت مفهومشان، خود به خود رنگ سیاه را تداعی می‌کنند. همان طوری که از نظر نگارنده خط کلفت عمودی، رنگ قرمز، خط افقی رنگ آبی و خط مایل رنگ سبز را تداعی می‌کنند

### خطوط آشفته:

این خطوط در عین آشفتگی، در مواردی مفاهیم متناقض را نشان می‌دهند. سیم‌های خط‌دار و درهم پیچیده خطوط آشفته است و ما را به یاد مانع، زندان، اسارت و غیره می‌اندازد، در صورتی که همین آشفتگی در زلف به نوعی بر زیبایی دلالت دارد. هر چند به قول حافظ:

در موی چون کمندش ای دل میبچ کانجا / سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت

تا حدی خطوط آشفته نزدیک به خطوط شکسته‌اند. در هنرهای بصری، از این خطوط

برای مفاهیم درماندگی، روان پریشی، نژندی، ناعلاجی، اسارت، زندان و غیره استفاده می‌شود. یک گروه تظاهر کننده و یا شورش‌گر با درهم پیچیدن پیکرها، دست‌ها، سرها و پاها خطوط آشفته را می‌سازند. سیم خاردار یک خط آشفته سمبلیک برای نشان دادن اسارت واقعی یا مجازی است. خشونت خطوط شکسته را می‌شود در همین سیم خاردار آشفته دید. وجه مشترکی از خشونت میان خطوط شکسته و آشفته وجود دارد. چهره یک انسان شکست خورده را با خطوط نرم طراحی می‌کنند ولی برای نشان دادن رنج او از خطوط آشفته بهتر می‌توان بهره گرفت.

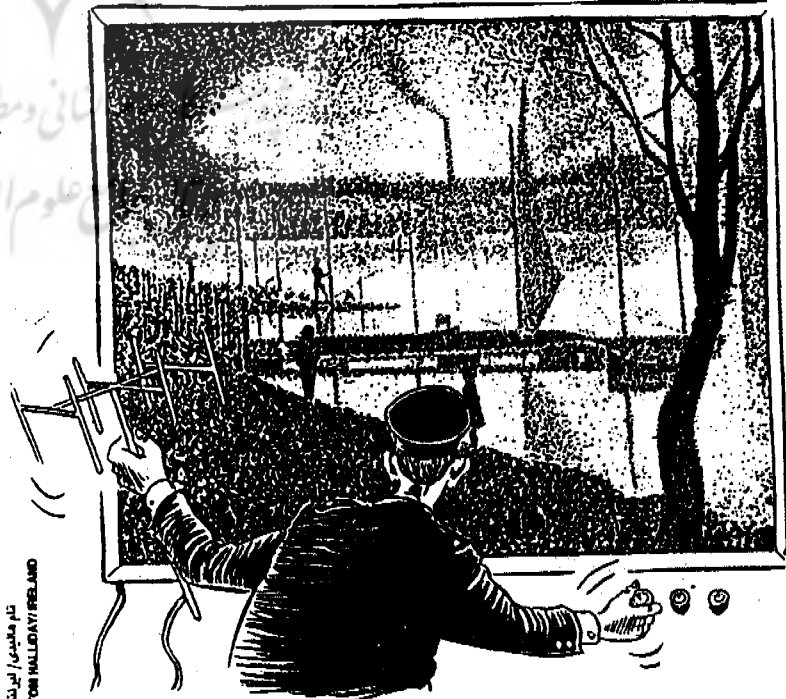
مسلمان کمتر طرحی صرفاً یک دست خط شکسته یا عمودی یا دیگر خطوط به کار می‌رود. یک طرح یا کاریکاتور و یا حتی یک پلان سینمایی را عوامل پنهان و عواطف نهفته می‌سازد که این‌ها خود باعث به وجود آمدن نوع خطوط می‌شوند. به عنوان یک استفاده درست از خطوط در کار سینمایی (می‌توان به صحنه‌ای از فیلم گروهان کیمیاچی) که



بیشتر به یک تابلو اکسپر سیوتیستی شباهت دارد، اشاره کرد. در صحنه آویزان کردن گروهان از درخت، خطوط بدن گروهان به صورت نیم دایره‌ای شکسته که در پس زمینه درختان تیزه به یک دیگر تلاقی کرده‌اند، بهترین نوع استفاده از خطوط را برای القا هر چه بیشتر مفاهیم نشان می‌دهد.

### یک نکته

پس از توضیح انواع خطوط، اکنون هنوز یک مسئله مانده است، و آن استفاده از ابزار گوناگون برای نشان دادن یک خط است. مسلماً کشیدن یک خط عمودی با یک قلم موی زبر از لحاظ مفهومی قوی‌تر است از ترسیم همان خط عمودی با خودکار یا راپیت. بنابراین، اثرگذاری ابزار طراحی همانند نیست و این خود شدت و ضعف مفهوم خط را بالا و پایین می‌برد.



تیم مالدیو / ریلاند  
TOM MALDIYAVI REILAND



